دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ۸، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۱۹-۲۴۸
DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0
مقاله پژوهشی

معناشناسی عبارت ﴿وَ الَّذِينَ يحُاجُّونَ فيِ اللهِ مِن بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَه﴾، غرض شناسی فعل مجهول عبارت و نقد تفاسیر و ترجمه‌های متفاوت

محدثه مقیمی نژاد داورانی[1*]

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده حضرت نرجس دانشگاه ولیعصر، رفسنجان، ایران

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۰

چکیده

عبارت ﴿وَ الَّذينَ يُحَاجُّونَ فِي اللهِ مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجيبَ لَهُ﴾ در آیه ۱۶ سوره شوری از مواردی است که در تفسیر و ترجمه آن اختلاف‌نظر وجود دارد. بر اساس این عبارت، احتجاج منکران در مورد خداوند بعد از مستجاب شدن دعوت کسی که با ضمیر «ه» از او یاد شده‌است، باطل است. اختلاف در تعیین مصداق منکران، تعیین فاعل استجابت و تعیین مرجع ضمیر «ه» سبب اختلاف در تفسیر و در نتیجه ترجمه‌های آیه شده است. برخی ترجمه‌ها نیز بدون تاثیر پذیری از آراء تفسیری، منتقل‌کننده ابهام آیه هستند. امّا با استفاده از کدام قرائن می توان به تفسیر و ترجمه صحیح این عبارت دست یافت؟ در پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی ضمن معرفی تفاسیر و ترجمه‌های فارسی و انگلیسی آیه، با در نظر گرفتن دلالت سیاق و سایر آیات مرتبط، به دریافت تفسیر و ترجمه صحیح آیه مبادرت شده است. ضرورت این پژوهش روشن نمودن مفهوم آیه‌ای از آیات قرآن‌کریم است و به لحاظ نشان دادن گستره وسیعی از بی‌توجّهی به قرائن، در تفسیر و ترجمه این آیه حائز اهمیّت است. نتیجه بررسی حاکی از آن است که مصداق محاجّه کنندگان مشرکان یا اهل کتاب یا هر دو هستند؛ غرض از مجهول آوردن فعل «اسْتُجِيبَ» تعمیم فاعل آن است که با توجّه به قرائن، بر مصادیقی همچون مسلمین، فطرت و علمای اهل کتاب قابل حمل است و مرجع ضمیر «ه» خداوند است.

واژگان کلیدی: ابهام در ترجمه، آیه ۱۶سوره شوری، افعال مجهول قرآن، ترجمه‌های قرآن

*نویسنده مسئول مقاله: Email: m.moghiminejad@yahoo.com

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

۱- مقدمه و بیان مسأله

اختلاف تفسیر آیات قرآن کریم ناشی از عوامل گوناگونی است. استفاده از الفاظ مشترک در آیات، حذف در کلام و تردید در محذوف، مشخص نبودن مرجع ضمیر، مشخص نبودن مواضع وقف و ابتدا، احتمال حقیقت و مجاز (زرکشی، ۲۰۰۶: ۳۵۹؛ عک، ۱۴۰۶: ۸۶) اختلاف در وجوه اعراب، اختلاف در تعیین مستثنی‌منه (شاکر،۱۳۸۲: ۶۲) و اختلاف در تعیین فاعل فعل مجهول از عوامل اختلاف در تفاسیر هستند. اختلاف ترجمه‌ها نیز، در بسیاری از موارد متأثر از اختلاف تفاسیر هستند.

یکی از آیاتی که تفسیر و به تبع آن ترجمه‌های متفاوتی در مورد آن وجود دارد، آیه ۱۶ سوره شوری است. در این آیه شریفه می‌خوانیم:

﴿وَ الَّذينَ يُحَاجُّونَ فِي اللهِ مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ داحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ عَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ شَديدٌ﴾ (شوری/ ۱۶)

اختلاف در شناخت مصداق «الذین»؛ فاعل «استجابت» که به دلیل مجهول آمدن فعل «اسْتُجیب» نامعلوم است و مرجع ضمیر «ه» در عبارت **﴿مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجيبَ لَهُ﴾** سبب اختلاف در تفسیر این عبارت آیه شده است. اختلافات مذکور در تفاسیر دوره‌های مختلف از قرن چهار تا دوره حاضر قابل مشاهده‌است. این تفاوت دیدگاه‌ها، به ترجمه‌های آیه شریفه نیز راه یافته و در نتیجه شاهد ترجمه‌های متفاوتی از آیه هستیم. غالب ترجمه‌ها بر اساس یکی از دیدگاه‌های تفسیری نگاشته شده‌اند، در عین حال ترجمه‌های متعدّدی نیز هستند که فعل «اسْتُجیب» را به همان صورت مجهول و بدون هیچ عبارت توضیحی منتقل کرده‌اند. برخی ترجمه‌ها نیز نشان‌دهنده ناآگاهی یا بی‌توجّهی مترجمین به قواعد زبان عربی هستند.

در پژوهش حاضر با بررسی اهمّ تفاسیر فریقین در دوره‌های مختلف و بررسی بیش از پنجاه ترجمه فارسی دوره‌های مختلف و سیزده ترجمه انگلیسی اختلافات مذکور تبیین

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

شده و با توجّه به سیاق آیات و کلمات و استفاده از سایر آیات قرآن کریم به دریافت تفسیر و به تبع آن ترجمه مورد قبول آیه مبادرت شده است.

اغراض بلاغی گوناگونی در مورد کاربرد فعل‌های مجهول قرآن ذکر شده است همچون تعظیم فاعل، تحقیر فاعل، مراد نبودن فاعل و تعدّد فاعل (تعمیم) (محمد، ٢٠٠٦ :٥٦- ٤٣) شناخت این اغراض در مورد افعال مجهول هریک از آیات، فهم دقیق تر آیات را میسّر می سازد. از سویی دیگر ترجمه مطلوب ترجمه‌ای است که نقش‌های ارتباطی متمایزی را که صورت‌های دستوری به ظاهر مشابه زبان مبدأ و مقصد دارند، به خوبی منتقل کند (ر.ک: امانی، ١٣٩٤: ٥٥). لذا در این پژوهش به شناخت غرض بلاغی کاربرد فعل مجهول «**استجیب**» در این عبارت و معرفی ترجمه‌هایی که این غرض را منتقل کرده‌اند، پرداخته شده‌است و در پایان ترجمه پیشنهادی مؤلف ارائه گردیده است.

١-١- پرسش‌های تحقیق

١- مفسرین و مترجمین در تفسیر و ترجمه عبارت ﴿**الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللهِ مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجِيبَ لَهُ**﴾ چه اختلافاتی دارند؟

٢- با استفاده از کدام قرائن تفسیری می توان به تفسیر و ترجمه قابل‌قبول این عبارت دست یافت؟

٣- چه غرضی از کاربرد فعل مجهول در این عبارت وجود دارد و این غرض چه تأثیری در ترجمه مطلوب عبارت مورد بحث دارد؟

١-٢- پیشینه پژوهش

بیان اختلاف ترجمه‌های آیه ١٦ سوره شوری و ارتباط این اختلاف با اختلاف تفاسیر و ترجیح برخی ترجمه‌های آن بر برخی دیگر، پژوهشی نوین است. امّا گزارش اختلاف در تفسیر این آیه در تفاسیر دوره‌های گوناگون همچون تفسیر ماتریدی (قرن ٤) (ماتریدی، ١٤٢٦، ج٩: ١١٥) ، مجمع البیان (قرن ٦) (طبرسی،١٣٧٢، ج٩:٤٠) الجامع لاحکام القرآن (قرن

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

۷) (قرطبی، ۱۳٦٤، ج۱٦ :۱٤) البحر المحیط فی التفسیر(قرن ۸) (اندلسی،۱٤۲۰، ج۹: ۳۳۰) زبدة التفاسیر (قرن ۱۰) (کاشانی،۱٤۲۳، ج٦: ۲۱۰) کنز الدقائق (قرن ۱۲) (قمی مشهدی،۱۳٦۸، ج۱۱: ۲۹۵) تفسیر القرآن الکریم (قرن ۱۳) (شبّر،۱۲٤۲، ج۱: ٤٥٤) المیزان (قرن ۱٤) (طباطبایی،۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳٦) و نمونه (قرن ۱٤) (مکارم شیرازی و همکاران،۱۳۷۱، ج۲۰: ۳۹۱) آمده است. در تفاسیر المیزان و نمونه شاهد نقد برخی از تفسیرهای نقل شده هستیم؛ اما شاهد نقد و بررسی جامعی در مورد همه احتمالات تفسیری نیستیم. پژوهش حاضر متکفّل این مهمّ است.

آثار متعدّدی در مورد بررسی اغراض بلاغی کاربرد فعل‌های مجهول در زبان عربی یا خصوص قرآن کریم نگاشته شده است. از آن جمله می توان به آثار ذیل اشاره کرد:

«المبنی للمجهول و تراکیبه و دلالته فی القرآن العظیم» دکتر شرف الدین راجحی، دارالمعرفة الجامعیة، ۱۹۹۹.

«سر بلاغی حذف فاعل در فعل مجهول» سید رضا نجفی، نشریه بیّنات، سال نهم، شماره ۳۳ ، ۱۳۸۱.

«الفعل المبنی للمجهول فی اللغة العربیه (اهمیته- مصطلحاته- اغراضه) دکتر عبدالفتّاح محمّد مجله جامعه دمشق. جلد ۲۲. عدد ۱+۲، (۲۰۰٦).

«صور جمال در ساختار جمله‌های مجهول قرآن» دکتر سید بابک فرزانه، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، دوره ۱٦، ش ٤۷، ۱۳۸۹.

«زبان شناسی فعل مجهول، دانشی برای تصویرگری صحنه‌های غیبی قرآن کریم» سید ابوالفضل سجادی، حسین احمدی، زهره نادری؛ پژوهش‌های ادبی- قرآنی، سال دوم، ش دوم، ۱۳۹۳.

پایان نامه بررسی فعل مجهول و موارد کاربرد آن در قرآن کریم. علی‌اکبر کرمی. به راهنمایی محمد علی سلمانی، دانشکده ادبیات و زبان فارسی دانشگاه یزد، ۱۳۹۳.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

«واکاوی زوایای مختلف فعل مجهول در قرآن کریم (بررسی موردی سوره مبارکه بقره)» محمد قربان کیانی، حسین احمدی امویی، دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال چهارم، شماره هفتم. بهار و تابستان ۱۳۹۸.

در آثار فوق سخنی در مورد غرض مجهول آمدن فعل «استجیب» در آیه ١٦ سوره شوری نیامده است و پژوهش حاضر عهده‌دار بیان آن است.

۲- گذری بر مفردات عبارت ﴿والَذینَ یُحَاجُّونَ فِي اللهِ مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجیبَ لَهُ﴾

محاجّه: به معنی آن است که هر کسی تلاش کند برهان و دلیل دیگری را رد نماید (راغب اصفهانی،١٤١٢: ٢١٩). گاهی نیز به معنی مخاصمه و مجادله که لازمه محاجّه است، به کار رفته است (طبرسی،١٣٧٢، ج٩: ٣٩).

استجابه: برخی از لغویان استجابة و اجابة را به یک معنی دانسته‌اند (فیومی، ١٤١٤، ج٢: ٣١٣؛ راغب اصفهانی،١٤١٢ق: ٢١٠). ابوهلال عسکری در توضیح این مشابهت معنایی می‌نویسد: «استجابت به معنی اجابت است؛ چرا که معنای این دو به یک چیز برمی‌گردد. استجابت قصد جواب دادن به خواهنده است و اجابت این است که عملاً پاسخ خواهنده را بدهی» (عسکری، ١٤٠٠: ٢١٧). البته در یکی از کتاب های لغت در مورد تفاوت این دو کلمه آمده است: اجابت عامّ است و استجابت خاص عطای همان چیزی است که خواسته شده است (مدنی، ١٤٢٦، ج١: ٣٧١).

۳- بررسی مصداق ﴿الَّذینَ یُحَاجُّونَ فِي اللهِ﴾

به طور کلّی سه احتمال در مورد مصداق ﴿**الَّذینَ یُحَاجُّونَ فِي اللهِ**﴾ داده شده است:

۱- اهل کتاب

۲- مشرکین

۳- مسلمین

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

۳-۱- تطابق «الّذین» بر اهل کتاب

در روایات صحابه و تابعان آمده است که مراد از ﴿**الَّذينَ يُحَاجُّونَ فِي اللهِ**﴾ اهل کتاب است. ابن عبّاس گفته است: «مراد اهل کتاب است که با مسلمین مجادله می‌کردند و آن ها را از هدایت بازمی‌داشتند بعد از این که خدا را اجابت کرده بودند» (طبری، ۱٤۱۲، ج۲۵: ۱۳).

قتاده گفته است: «مراد یهود و نصاری هستند که بر برتری دین خود احتجاج می‌کردند و می‌گفتند: کتاب ما قبل از کتاب شما نازل شده، و پیغمبر ما قبل از پیغمبر شما بوده، پس دین ما از دین شما بهتر است» (طبری، همانجا؛ نیز ر.ک: طبرسی،۱۳۷۲، ج۹ : ۳۹).

فخر رازی محتوای محاجّه آن‌ها را این گونه گزارش کرده است: «شما که مدعی وحدت هستید، بیائید آئین موسی علیه السلام را که مورد قبول طرفین است، بپذیرید» (فخرالدین رازی، ۱٤۲۰، ج ۲۷: ۹۰).

قرآن کریم این دعوت را این‌گونه گزارش کرده است: ﴿**وَ قالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصارى تَهْتَدُوا**﴾ «و گفتند: یهودی یا نصرانی باشید تا هدایت شوید» (بقره / ۱۳۵)

برخی از مفسّرین قرون بعد، به این دیدگاه تصریح کرده‌اند. قرن ۵ (ماوردی، بی‌تا، ج۵: ۲۰۰)، قرن ٦ (فخررازی،۱٤۲۰، ج۲۷: ۵۹۰)، قرن ۸ (جرجانی، ۱۳۷۸، ج۹: ۱۸)، قرن ۱۵ (سبزواری، ۱٤۱۹، ج۱: ٤۹۰).

امّا در تفسیر نمونه در نقد این دیدگاه آمده است: «بعید است که روی سخن در این آیات با یهود و اهل کتاب باشد چرا که" محاجه درباره اللّه" بیشتر متناسب با مشرکان است» (مکارم شیرازی،۱۳۷۱، ج۲۰: ۳۹۱).

۳-۲- تطابق «الذین» بر مشرکین

برخی از مفسران مراد از احتجاج‌کنندگان در این آیه را مشرکان دانسته‌اند. ماتریدی (قرن ٤) این قول را در کنار قول به این که مراد اهل کتاب باشند، آورده‌است. وی می‌نویسد: «برخی می‌گویند کفار به مؤمنین گفتند تا زمانی که محمّد در بین شماست و زنده است، دین شما اسلام است. امّا هنگامی که بمیرد، شما و مسلمین به دین ما برمی‌گردید یا کلامی

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

از این قبیل. لذا به دلیل سخن آن‌ها این آیه نازل شـد» (ماتریـدی،١٤٢٦، ج٩: ١١٥). همچنـین می‌نویسد: «بعضی‌ها گفته اند قریش گفتند چگونه کسی را بپرستیم که ندیـده‌ایـم؟ و نمـی-دانیم از چه و چگونه است یا کلامی از این قبیل. لذا آیه ﴿**وَ الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللهِ مِـنْ بَعْـدِ ما اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ داحِضَةٌ**﴾ نازل شد؛ چرا کـه توحیـد و معرفـت خداونـد بـا دلایـل و آیات است نه با مشاهده که امتحان از بین برود» (ماتریدی،١٤٢٦، ج٩: ١١٦).

در روایتی در درالمنثور (قرن ١٠) نیز مراد مشرکین دانسته شـده‌انـد (سـیوطی،١٤٠٤، ج٦: ٤). همچنین در مورد این قول (ر.ک: قرطبی، ١٣٦٤، ج١٦: ١٤) مفسّر قرن هفـتم. ابـن عاشـور (قرن ١٤) نیز معتقد است مراد از این آیه مشرکین هستند؛ چرا که آن‌ها بودنـد کـه در مـورد یگانگی خداوند محاجّه می‌کردند (ابن عاشور، بی‌تا، ج٢٥: ١٣١– ١٣٢). در تفسـیر نمونـه هـم همین نظر تأیید شده است و گفته شده این مشرکین بودنـد کـه بـرای شـرک خـود دلایـل پوسیده‌ای ازجمله شفاعت بتها و یا پیروی از آئـین نیاکانشـان مـی‌آوردنـد (مکـارم شـیرازی، ١٣٧٤، ج٢٠: ٣٩١).

٣-٣- تطابق «الذین» بر مسلمین

این تفسیر، تفسیر شاذی است که مؤلف تنها در تفسیر «مخزن العرفان در علوم قـرآن» بـا آن مواجه گردید. در این تفسیر آمده است: «شاید مقصود کسانی باشند که پس از آن‌که حجـت بر آنان تمام شده و دعوت رسول را اجابت نمودند، در آنچه راجع بـه احکـام مطـابق میـل آن‌ها نبود در دین خدا نزاع و مجادله می‌نمودند» (امین، بی تا، ج١١: ٣٦٥).

٣-٤- ارزیابی مصداق «الذین» با توجّه به سیاق و سایر آیات

برای آن که بدانیم مراد از این محاجّه‌کنندگان چه کسانی هستند، لازم اسـت سـیاق آیـات را در نظر بگیریم. آیات ١٦– ١٣ در یک سیاق قرار دارند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

﴿شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصىَ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِى أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْـرَاهِيمَ وَ مُوسـىَ وَ عِيسىَ أَنْ أَقِيمُواْ الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِ كَبُر عَلىَ الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللهُ يجْتَبِي إِلَيْـهِ مَـن يَشَاءُ وَ يهَدِى إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ﴾ (شوری/ ۱۳)

﴿وَ مَا تَفَرَّقُواْ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيَا بَيْنهَمْ وَ لَوْ لَا كلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ إِلـىَ أَجَـلٍ مُّسَمًّى لَّقُضىِ بَيْنهَمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُواْ الْكِتَابَ مِن بَعْدِهِمْ لَفِى شَك مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾ (شوری/۱٤)

﴿فَلِذَالِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ ءَامَنتُ بِمَا أَنزَلَ اللهُ مِن كِتَـابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَـا وَ بَيْـنَكُمُ اللهُ يجَمَـعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (شوری/ ۱۵)

دلیل هم سیاق دانستن این آیات، ارتباط لفظی آن‌ها با یکـدیگر اسـت کـه نشـان‌دهنـده نزول واحد این فقره آیات است. نشانه ارتباط لفظی، حروف ربط ابتدای آیـات دوم و سـوم است (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰: ۱۱۱). آیه ۱۳ مربـوط بـه حـق‌ناپـذیری مشـرکین اسـت. آیـه ١٤ مربوط به تفرقه اهل کتاب و تردید آن‌ها در مورد کتاب آسمانی‌شان است.

در آیه ۱۵ رسول خدا خطاب به گروهی از مردم، خود را مأمور به برقراری عدالت بین آن ها معرفی کرده‌اند و اعلام کرده‌ا

این کلام، کلام صوابی است؛ چرا که در دو آیه قبل هم به حق ناپذیری اهل کتاب اشـاره شده و هم مشرکین. بر همین اساس باید گفت در آیه مورد بحث- یعنی آیه ١٦- نیـز مـراد از احتجاج کنندگان ممکن است، اهل کتاب باشند یا مشرکین و یا هر دو گروه.

این نکته قابل ذکر است که با آن که سوره شوری از سـور مکـی اسـت (طبرسـی، ۱۳۷۲، ج۱۰: ٦١٣)، در آن از اختلافات و احتجاجات اهل کتاب سخن به میان آمده، چرا کـه علـی- رغم قول مشهور، اهل کتاب در مکّه نیز حضور پررنگ داشته و آیات متعدّدی در شأن آنـان نازل شده‌است (ر.ک به احمد نژاد، ۱۳۹٦: صص ۳۸- ۱۹).

این گفته که: « محاجه درباره اللّه" بیشـتر متناسـب بـا مشـرکان اسـت» (مکـارم شـیرازی، ۱۳۷٤، ج۲۰: ۳۹۱). و یا این گفته که: «مشرکین بودند که در مـورد یگـانگی خداونـد محاجّـه می‌کردند و نه اهل کتاب» (ابن عاشور، بی تا، ج۲۵: ۱۳۱، ۱۳۲)، قابـل نقـد اسـت؛ چـرا کـه در مواضع متعددی از قرآن کریم اعتقادات و گفته‌های شرک آمیز به اهل کتاب نسبت داده شـده

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

است. اعتقاد به الوهیت حضرت مریم و حضرت مسیح علیهما السلام (مائده/ ۱۱٦، ۷۲، ۱۷) قول به تثلیث (مائده/ ۷۳)، قول به این که حضرت عیسی علیه السلام فرزند خداوند است (توبه/ ۳۰) از عقاید و سخنان شرک آمیز مسیحیان است. همچنین قول به این که حضرت عزیر پسر خداست، از عقاید شرک‌آمیز یهود است. (توبه/ ۳۰) قول به این که یهودیان و مسیحیان پسران خداوند هستند، از عقاید شرک‌آمیز هر دوی این فرقه‌هاست (مائده/ ۱۸). از آیه ٦۱ سوره آل عمران این گونه استنباط می‌شود که مسیحیان در مورد عقاید غلوآمیز خود در مورد حضرت عیسی علیه السلام با پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله محاجّه می‌کردند. ﴿**فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْاْ نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكم**﴾ از آیه ۱۳۹ سوره بقره نیز فهمیده می‌شود که یهود و نصارا در مورد خداوند با مسلمین محاجّه می‌کردند.

﴿**قُلْ أَ تُحَاجُّونَنَا فىِ اللهِ وَ هُوَ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ**﴾ «بگو: آیا درباره خدا با ما بحث و گفتگو می‌کنید؟ با آن‌که او پروردگار ما و پروردگار شماست» لذا محاجّه در مورد خداوند خاصّ مشرکین نبوده‌است و دلیلی نداریم که این آیه را خاصّ آنان در نظر بگیریم.

علاوه بر محاجّه اهل کتاب در مورد خداوند، بر اساس ادله‌ای که پیش‌تر گذشت، اهل‌کتاب در مورد دین خداوند هم با مسلمین محاجّه می‌کردند، برخی از آن ها با برتر دانستن دین خود تلاش می‌کردند مسلمین را هم کیش خود نمایند (بقره/ ۱۳۵). لذا می‌توان احتمال داد منظور از ﴿**يحَاجُّونَ فىِ الله**﴾، «یحاجّون فی دین الله» باشد (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳٦۸، ج۱۱: ٤۹۵؛ کاشانی،۱٤۲۳، ج٦: ۲۱۰). یا محاجّه در مورد دین هم داخل در مفهوم آیه باشد.

با توجّه به آن چه ذکر شد، هر دو احتمال که مصداق آیه اهل‌کتاب یا مشرکین باشند محتمل است. همچنین ممکن است هر دوی این گروه‌ها توأمان مصداق آیه شریفه باشند. امّا این احتمال که مصداق «الذین» مسلمین باشند، با سیاق آیه ناسازگار است؛ چرا که آیات هم سیاق در مذمّت کفّار و مشرکین نازل شده اند نه مسلمین.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

۴- مراد از ﴿مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجيبَ لَهُ﴾

در مورد فاعل «استجابت» مصادیق متعدّدی ذکر شده که عبارتند از: خداوند، فطرت، اهل کتاب و مؤمنین جامعه. در مورد مرجع ضمیر «ه» نیز، خداوند، پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و دین اسلام اقوال گوناگونی هستند که ذکر شده‌است. ذیلاً با این اقوال آشنا می‌شویم.

۴-۱- اجابت دعوت پیامبر صلّی الله علیه و آله توسط اهل کتاب

برخی عبارت ﴿مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجيبَ لَهُ﴾ را اشاره به پذیرش اهل‌کتاب نسبت به پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله دانسته‌اند. در این صورت، فاعل محذوف استجابت اهل‌کتاب و مرجع ضمیر «ه» پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله خواهند بود و آیه به این‌گونه معنا می‌شود: اهل کتابی که بعد از پذیرش اوصاف پیامبر صلّی الله علیه و آله، از ایشان روی برگرداندند و علیه ایشان احتجاج کردند، مشمول غضب الهی خواهند بود.

ماتریدی (قرن ٤) این قول را به صورت احتمال مطرح نموده‌است و می‌نویسد: «ممکن است آیه ﴿مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجِيبَ لَهُ﴾ اشاره به آن چه در کتاب‌های آنان وارد شده، داشته باشد. ایمان به خدا و صفات پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله» (ماتریدی، ١٤٢٦، ج٩: ١١٦).

طبرسی (قرن ٦) که خود دیدگاه دیگری در تفسیر آیه دارد، در مورد این احتمال می‌نویسد: «گفته شده مراد این است که آنان قبل از بعثت به او اقرار داشتند وقتی مبعوث شد او را انکار کردند» ﴿وَ كانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذينَ كَفَرُوا﴾ (بقره/ ۸۹) (طبرسی،۱۳۷۲، ج۹: ٤۰). در برخی تفاسیر دیگر نیز به این قول اشاره شده است، اما نه به عنوان دیدگاه مفسّر (قمی مشهدی، ١٣٦٨، ج١١: ٤٩٥) قرن ١٢ و (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج١٨ :٣٦) قرن ١٤.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

آن طور که پیداست این قول در دوره‌های مختلف کمابیش در کتب تفسیری مطرح شده‌است، امّا به صورت احتمال و یا نقل قول مجهول و نه به عنوان دیدگاه مفسّرین. علامه طباطبایی این معنا را از سیاق دور دانسته‌است (طباطبایی،۱۳۹۰، ج۱۸: ٣٦).

در تفسیر نمونه در نقد این تفسیر آمده‌است: « با لحن آیه موافق نیست، زیرا باید گفته شود:"من بعد استجابوا له" (بعد از آن که دعوت او را اجابت کردند) (مکارم شیرازی،١٣٧٤، ج۲۰: ۳۹۱).

به عبارت دیگر بر اساس این معنا فاعل فعل استجابت همان مصداق الذین است و مجهول آمدن فعل وجهی ندارد.

این نقد، قابل پذیرش است. نقد دیگری که بر این تفسیر وارد است، آن است که مرجع ضمیر «ه» در عبارت ﴿**وَ الَّذِینَ یحَاجُّونَ فِی الله من بعد ما اسْتُجیبَ لَهُ**﴾ را پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله دانسته‌است؛ در حالیکه در این آیه نامی از ایشان برده نشده است و بر اساس این قاعده که ضمیر به نزدیکترین مرجع خود بازمی‌گردد، باید گفت مرجع خداوند متعال است.

۴-۲- مستجاب شدن دعای پیامبر صلّی الله علیه و آله توسط خداوند

برخی مراد از عبارت مذکور را اجابت دعای پیامبر صلّی الله علیه و آله در مواضع گوناگون دانسته‌اند. در این صورت فاعل محذوف این عبارت، خداوند است و ضمیر «ه» به پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله برمی‌گردد و آیه به این شکل معنا می‌شود: کسانی که در مورد خداوند احتجاج می‌کنند، بعد از این که دعای پیامبر صلّی الله علیه و آله مورد اجابت خداوند قرار گرفت، حجّتشان باطل است.

شیخ طوسی (قرن ۵)، به نقل از جبائی (قرن ۳) می‌نویسد: «خداوند متعال دعای پیامبرش صلّی الله علیه و آله را در مورد کفار بدر مستجاب کرد و آن‌ها را به دست مسلمین به قتل رساند، و دعای ایشان را علیه آن کفّار در مکّه و همچنین علیه مضر با قحطی و شدائدی که بر آن‌ها وارد شد، مستجاب کرد و همچنین دعای ایشان را در مورد نجات

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

مستضعفین از دست قریش اجابت کرد و غیر از این موارد که تعدادشان زیاد است» (طوسی، بی‌تا، ج۹: ۱٥٤؛ ر.ک: قشیری،۲۰۰۰، ج۳: ۳٤۷).

طبرسی (قرن ٦) نیز همین قول را به صورت نقل قول مجهول مطرح کرده و دعای پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله در مورد اظهار و اقامه معجزات را بر آن می‌افزاید (طبرسی،۱۳۷۲، ج۹: ٤۰). برخی مفسرین دوره های بعد، این معنا را به صورت احتمال یا نقل قول مجهول مطرح کرده‌اند که مراد، اجابت دعای پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله برای نابودی مخالفان در جنگ بدر است. قرن ۷ (قرطبی،۱۳٦٤، ج۱٦: ۱٤)، قرن ۸ (ابوحیان،۱٤۲۰، ج۹: ۳۳۰)، قرن ۱۰ (کاشانی،۱٤۲۳،ج٦: ۲۱۰)، قرن ۱۲ (قمی مشهدی،۱۳٦۸،ج ۱۱: ۲۹٥)، قرن ۱۳ (شبّر،۱٤۱۰، ج۱: ٤٥٤).

علامه طباطبایی این معنی را از سیاق بعید می‌شمرند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳٦). در نقد این تفسیر که مراد آیه استجابت دعای پیامبر صلّی الله علیه و آله برای نابودی مشرکان در جنگ بدر باشد، در تفسیر نمونه آمده است: «در این صورت مراد آیه ایجاب می‌کند که این آیات بعد از غزوه بدر نازل شده باشد، در حالی که دلیل روشنی بر این امر در دست نیست و به نظر می‌رسد که همه این آیات در مکه نازل شده باشد» (مکارم شیرازی،۱۳۷۱، ج۲۰: ۳۹۱).

اشکال مهمّ دیگری که این تفسیر دارد آن است که در این صورت نیز مرجع ضمیر «ه» پیامبر اکرم صلّی الله خواهند بود در حالیکه در این عبارت نامی از ایشان نیامده است و بر اساس قاعده، ضمیر باید به نزدیکترین مرجع خود بازگردد که خداوند متعال است.

۴-۳- اجابت دعوت خداوند با فطرت الهی

برخی مراد از عبارت مورد بحث را اجابت دعوت خداوند توسط فطرت الهی می‌دانند. بر اساس این قول، فاعل محذوف استجابت، فطرت الهی است که در همه انسان ها مشترک است و همه حتّی خود منکرین بر اساس این فطرت به ربوبیّت خداوند اقرار کرده‌اند و

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

مرجع ضمیر «ه» خداوند است. بر این اساس هر کس به فطرت الهی خود پشت کند و علیرغم پذیرش فطرت راه انکار و عناد در پیش گیرد، مستوجب عقاب الهی خواهد بود.

در برخی از تفاسیر از استجابت فطرت، به صورت اجابت نمودن خداوند در روز میثاق تعبیر شده‌است. قرن ٤ (دینوری، ١٤٢٤، ج٢ : ٢٧٧) و قرن ١٠ (کاشانی،١٣١٤، ج٨ : ٢١١) در تفسیر منهج الصادقین تصریح به این معنا شده که خود منکرین در روز میثاق بر ربوبیت خداوند اذعان نموده‌اند (همان).

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه فرموده‌است: ﴿**وَ الَّذینَ یُحَاجُّونَ فِی اللهِ**﴾ آن‌ها که درباره خدا، چه درباره معرفت خدا, چه درباره توحید, چه درباره انزال کتاب و ارسال رسول, چه درباره مرجعیّت- یعنی بودن معاد- محاجّه دارند، بعد از آن‌که فطرت بر خلاف حرف‌های آن‌ها فتوا می‌دهد، عقل بر خلاف حرف‌های آن‌ها فتوا می‌دهد و موطن اخذ میثاق بر خلاف حرف‌های آن‌ها فتوا می‌دهد، حجّت آن‌ها فروریخته و ریزش کرده است: ﴿**حجَّتُهُمْ داحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ**﴾ (جوادی آملی، ٩٤/٣/١٢).

روز یا موطن میثاق اشاره به پیمان فطرت دارد. در آیه ١٧٢ سوره مبارکه اعراف، در مورد این پیمان و اقرار بشر به ربوبیت پروردگارش چنین آمده است.

﴿**وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَني‏ آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلى‏ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى‏ شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هذا غافِلينَ**﴾ (أعراف/ ١٧٢)

در تفسیر آیه فوق که به آیه ذرّ معروف است، نظرات متفاوتی وارد شده که دو نظر، مهم‌تر است:

١- خداوند در ابتدای آفرینش آدم ابوالبشر همه ذریه او را به صورت ذراتی که دارای عقل و شعور بودند خارج ساخت و در مورد ربوبیت خود از آنان اقرار گرفت.

٢- هنگام خروج هر نطفه‌ای از صلب پدر به رحم مادر، خداوند استعداد درک توحید را در فطرت و عقل او به ودیعه می‌گذارد. بر این اساس، سؤال و جواب مذکور در آیه جنبه تکوینی دارد (ر.ک: مکارم شیرازی،١٣٧١، ج٧: ٦).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

آیه مذکور با هر تفسیری، دلالت بر پاسخ مثبت بشر به دعوت پروردگـارش دارد، حـال، چه به صورت تشریعی و چه تکوینی. مفسّرین این گروه با استناد به آیه ذرّ معتقدنـد مفهـوم آیه ۱٦ سوره شوری این است که منکرین خود با فطرت خود بر ربوبیـت خداونـد گـواهی داده‌اند. لذا احتجاج در مورد خدا بعد از این استجابت مفهومی ندارد.

امّا آیا مراد از استجابت- در آیه ۱٦ سوره شوری- می‌تواند همـین پاسـخ مثبـت باشـد؟ باید گفت این معنا با سیاق درونی آیه ناسازگار است؛ زیرا مطابق ایـن تفسـیر لازم اسـت در آیه آمده باشد "من بعد استجابوا له" نه **(من بعد ما اسْتُجیبَ لَهُ)**؛ چرا کـه افـراد منکـر چیـزی هستند که فطرت خودشان آن را صحیح دانسته است. به عبارت دیگر اگر فاعل اسـتجابت و مصداق الذین یک چیز باشند، مجهول آوردن فعل وجهی ندارد.

۴-۴- اعتراض مسلمین به برخی احکام بعد از اجابت دعوت پیامبر

بر اساس تفسیر شاذی از این آیه، مصداق «الذین» مسلمین هستند و فاعل استجابت نیز آنـان هستند و مرجع ضمیر «ه» پیامبر اکرم صلّی الله علیه وآله است. البته در این تفسیر مجادلـه در مورد خداوند، به مجادله در مورد احکام دین او معنا شده‌است (امین، بـی تـا، ج۱۱: ۳٦۵). بـر اساس این تفسیر معنای آیه چنین است: مسلمینی که بعد از پذیرش دعـوت پیـامبر صـلّی‌الله علیه و آله در مورد احکام دین خدا مجادله می‌کنند، مشمول غضب خداوند خواهند بود.

با توجّه به مطالب پیشین، «مسلمین» نمی‌توانند مصداق «الذین» باشـند. بازگشـت ضـمیر «ه» به پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و یکی بودن مصـداق «الـذین» و فاعـل اسـتجابت نیـز امکان پذیر نیست. لذا این تفسیر قابل پذیرش نیست. اشکال دیگری که بر ایـن تفسـیر وارد است، در تقدیر گرفتن احکام دین است که در ظاهر آیه نیامده است؛ در حالی کـه اصـل بـر عدم تقدیر است.

۴-۵- اجابت دعوت خداوند توسّط مردم مسلمان

بسیاری از مفسّرین ، مراد از این عبارت را اجابت دعوت خداونـد توسّـط مـردم مسـلمان و داخل شدن آنان در دین دانسته‌اند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

بـه عنـوان نمونـه، قـرن٤ (نحّـاس،١٤٢١، ج٤: ٥٣؛ طبـری، ١٤١٢، ج٢٥: ١٣)، قـرن ٥ (ثعلبـی،١٤٢٢، ج٨: ٣٠٧)، قـرن ٦ (طبرسـی،١٣٧٢، ج٩: ٤٠ ؛ بغـوی،١٤٢٠، ج٤: ١٤٢)، قـرن ٧ (قرطبی،١٣٦٤،ج١٦: ١٤)، قرن ٨ (خازن، ١٤١٥، ج٤: ٩٦)، قرن ١٤(سـید قطـب، ١٤٢٥، ج٥: ٣١٥٠ ؛ مکارم شیرازی و همکاران،١٣٧١، ج٢٠: ٣٩١).

در این صورت فاعل محذوف، مسلمین جامعه هستند و ضمیر «ه» در «لـه» بـه خداونـد متعال برمی‌گردد. با در نظرگرفتن آن چه که در مورد مصداق «الذین» گفتـه شـد، بـر اسـاس این احتمال معنای آیه چنین است: کفار و اهل‌کتـابی کـه بعـد از پـذیرش دعـوت خداونـد توسط مسلمین در مورد خداوند یا دین او مجادله می‌کنند، حجّتشـان نـزد پروردگـار باطـل است و عذاب سختی خواهندداشت. این دیدگاه، دیدگاه رایـج اکثـر مفسّـرین در دوره‌هـای مختلف است.

به لحاظ نحوی اشکالی بر این تفسیر وارد نیست؛ امّا در صورت صحّت آن، ایـن سـؤال مطرح می‌شود که مگر استجابت دعوت الهی توسط جمعی از مردم، حجتـی بـرای سـایرین است؟ مگر در زمینه اعتقادات هر کسی نباید مستقلّا به نتیجه برسد؟ در پاسخ بـه ایـن سـؤال چند احتمال را می‌توان مطرح کرد:

١-در این جا مصداق آیه کسانی هستند که تلاش دارند جامعه هدایت یافته را بـا شـبهه- افکنی منحرف نمایند. این‌ها هستند که حجّتشان باطل است و عـذابی سـخت در انتظارشـان است. بر اساس آیه ١٣٥ سوره بقره که پـیش از ایـن گذشـت، گروهـی از اهـل کتـاب بـه مسلمین توصیه می‌کردند به دین آنان درآیند. همچنین بر اساس روایت ابن عبـاس ذیـل ١٦ سوره شوری که پیش از این گذشت، اهل کتاب تلاش در انحراف مسلمین داشـتند (طبـری، ١٤١٢،ج٢٥: ١٣). بر اساس این معنا منکرین دعوت به ایمان نشده‌اند، بلکه از ایجـاد انحـراف در افکار مسلمین نهی شده‌اند. با توجّه به قرائن تفسیری مذکور، این احتمال قوی‌تر است.

٢- ایمان گروهی از مردم جامعه، حجّت را بر سایر افراد آن جامعه تمام می‌کند؛ چرا کـه سایرین نیز می‌توانند از همان راهی که اینان ایمان آورده‌اند، ایمـان بیاورنـد. کسـانی کـه بـه

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0] [Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

جای توجّه به دلایل پذیرش حقّ که در دسترس آنان است، بر عقاید باطل خود پافشاری می‌کنند، حجّتشان باطل است و عذاب دردناکی در انتظارشان است.

۳- ممکن است هر دوی این موارد در آیه جمع باشند.

در بین دیدگاه‌های مختلف تفسیری، تفسیر فوق قابل پذیرش است که دیدگاه رایج بین مفسّرین از ابتدا تا عصر حاضر است؛ چرا که از سویی از اشکالات متعدّدی که بر سایر دیدگاه‌ها وارد است، مبرّا است و از سویی مؤیداتی از قرآن و روایت دارد که حکایت از تلاش غیر مسلمین در انحراف مسلمین می‌کنند.

۴-۶- اجابت دعوت خدا توسط فطرت منکرین و مسلمین

علامه طباطبایی معتقدند فاعل استجابت فطرت الهی است. البته ایشان اشاره ای به روز میثاق ندارند، بلکه ضمن استناد به آیاتی که فطرت بشر را آگاه از حق و باطل می‌شمرد (انعام: ۳٦، روم: ۳۰، شمس: ۸)، در بیان معنای آیه می‌نویسند: «کسانی که در مورد خدای تعالی و یا دین او احتجاج می‌کنند و می‌خواهند بعد از آن‌که فطرت سالم آن را پذیرفته و یا بعد از آن‌که مردم به فطرت سالم خود آن را پذیرفته‌اند، خدا را نفی و یا دین او را باطل سازند، حجتشان نزد پروردگارشان باطل و زایل است و غضبی از خدا برایشان وارد خواهد شد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۸: ۳٦).

تفاوت دیدگاه ایشان با دیدگاه مفسّرینی که «اجابت دعوت خداوند توسط فطرت الهی» را مطرح کرده‌اند، در افزودن این عبارت است: «بعد از آنکه مردم به فطرت سالم خود آن را پذیرفته‌اند.» عبارت مذکور که بر اساس معنای «اجابت کردن دعوت خداوند توسّط مردم مسلمان» بیان شده‌است، موجب شده که دیدگاه ایشان کامل‌ترین دیدگاه موجود باشد. توضیح آن که اغراض بلاغی متفاوتی در مورد کاربرد افعال مجهول در قرآن ذکر شده است: ایجاز، جهل به فاعل، رعایت سجع، مراد نبودن فاعل، علم به فاعل، تعظیم فاعل، تحقیر فاعل و تعدّد فاعل (تعمیم) (محمد، ۲۰۰٦: ٥٦- ٤۳).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

با تأمّل مؤلف در مورد این اغراض، روشن گردید تعمیم مناسب ترین غرضی است که می‌توان در مورد کاربرد فعل مجهول «استجیب» در این آیه ذکر نمود؛ چرا که مصادیق مختلفی با تکیه بر ادله مختلف برای فاعل استجابت ذکر شده‌است که هر کدام در جای خود صحیح است.

آیه و روایتی که حکایت از تلاش غیر مسلمین در انحراف مسلمین می‌کنند، دلالت بر این دارند که فاعل استجابت مسلمین هستند. امّا بر اساس آیه ذرّ (اعراف/ ۱۷۲) که پیش از این گذشت، می‌توان فاعل آیه را فطرت خود منکرین دانست. جمع این دو احتمال با هم اشکالی را که بر معنای «اجابت کردن دعوت خداوند توسط فطرت الهی» وارد بود، برطرف می‌سازد؛ چرا که وقتی فطرت مسلمین و منکرین به صورت توأمان فاعل فعل «استجیب» باشد، مصداق الذین و فاعل «استجیب» دو چیز خواهند بود و لذا آمدن فعل به صورت «استجابوا» وجهی ندارد و طبیعی است که فعل به صورت مجهول آمده باشد.

۵- نقد و بررسی ترجمه‌های عبارت ﴿والَّذینَ یُحاجون فی الله من بعد ما استجیب له﴾

در این قسمت ترجمه‌های موجود از آیه ۱٦ سوره شوری، در سه قسمت بررسی می‌شود. ترجمه‌های نشان‌دهنده فهم خاص از آیه، ترجمه‌های انتقال‌دهنده ابهام موجود در آیه و ترجمه‌های ناصحیح. سپس پیشنهاد مؤلف در مورد ترجمه قابل قبول ذکر می‌شود.

۵-۱- ترجمه‌های نشان‌دهنده فهم خاص از آیه

۵-۱-۱- ترجمه بر اساس معنای اجابت کردن دعوت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله توسط اهل کتاب

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

«ویهود و نصاری که درباره دین خدا با پیامبر و سایر مسلمانان مخاصمه و مجادله می‌کنند، چون قبل از بعثت محمد پیامبری او را بر حسب اقاریر تورات و انجیل، پذیرفته‌اند، انکار آنان پس از بعثت پذیرفته نیست (انکار بعد از اقرار مسموع نیست) بنابراین حجت آنان بنزد پروردگارشان محکوم به بطلان است» (ترجمه حجة التفاسیر).

«و کسانی که پس از قبول دعوت پیامبر، در امر دین خدا مجادله و مخاصمه می‌کنند، دلیل و حجت آنان، نزد پروردگارشان قابل قبول نیست و مورد خشم خدا قرار می‌گیرند» (ترجمه کاویانپور).

پیش از این با غیر قابل پذیرش بودن این دیدگاه تفسیری آشنا شدیم. لذا ترجمه‌های بتنی بر آن نیز ترجمه‌های قابل پذیرشی نیستند. محتمل است ترجمه اخیر بازتابی از احتمال چهارم در تفسیر آیه باشد. یعنی مراد مسلمینی باشند که بعد از اجابت دعوت پیامبر در مورد احکام دین خدا مجادله می‌کردند. ترجمه‌های ناظر به این معنا بعد از این خواهد آمد.

۵-۱-۲- ترجمه بر اساس معنای اجابت خداوند توسط فطرت خود منکرین

« و آنان که در باره خدا- یا دین او- پس از آنکه دعوت او اجابت شده است- یعنی به فطرت خودشان- گفت‌وگو و ستیزه می‌کنند حجتشان نزد پروردگارشان تباه و ناچیز است و بر آن‌هاست خشمی [از خداوند] و آنان راست عذابی سخت» (ترجمه مجتبوی).

«و کسانی که درباره ربوبیّت خدا، پس از آن‌که از سوی فطرت سلیم پذیرفته شد، به محاجّه می‌پردازند تا سرانجام آن را انکار کنند، حجّتشان نزد خدا تباه است و بر آنان از جانب خدا خشمی خواهد بود و عذابی سخت خواهند داشت» (ترجمه صفوی).

با نقد این تفسیر آشنا شدیم، به تبع ترجمه‌های مبتنی بر آن نیز قابل پذیرش نیستند.

۵-۱-۳- ترجمه بر اساس معنای احتجاج ایمان آورندگان به خداوند در مورد او بعد از پذیرش دین

دیدیم که یکی از اقوال تفسیری در مورد این آیه آن است که مؤمنین به پیامبر بعد از ایمان به ایشان در مورد احکام دین مجادله می‌کردند. ترجمه‌هایی که در این قسمت ذکر می‌شود به این احتمال تفسیری نزدیکند با این تفاوت که در اکثر آن‌ها به جای مجادله در مورد دین،

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

مجادله در مورد خداوند ذکر شده‌است. علی القاعده در مقام مقایسه کلام مترجمین صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا در آیه «الله» آمده نه «دین الله».

به ترجمه‌های ذیل دقّت کنید:

و کسانی که درباره خدا پس از اجابت [دعوت] او به مجادله می‌پردازند، حجّتشان پیش پروردگارشان باطل است، و خشمی [از خدا] برایشان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود. (فولادوند)

و کسانی که درباره خدا جدال می‌کنند، پس از آنکه دعوت او را اجابت کرده‌اند، نزد پروردگارشان حجتشان ناچیز است. بر آن‌هاست خشم خدا و بر آن‌هاست عذابی سخت. (آیتی)

و کسانی که در باره [دین] خدا، از آن پس که آن‌را پذیرفته‌اند، محاجه می‌کنند حجتشان بنزد پروردگارشان بیهوده است، غضبی بر آن‌هاست و عذابی سخت دارند (پاینده)

ترجمه‌های ذیل نیز بر اساس همین معنا شکل گرفته‌اند. آدینه وند، پورجوادی، صلواتی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه تفسیر رهنما، ترجمه تفسیر روض الجنان، ترجمه تفسیر کاشف، ترجمه طبری و ترجمه تفسیر کشف الاسرار.

آن طور که مشهود است، بسیاری از ترجمه‌ها بر مبنای این معنا شکل گرفته‌اند؛ امّا به دلایل پیش گفته، این تفسیر و ترجمه‌های مبتنی بر آن قابل پذیرش نیستند.

لازم به ذکر است بر اساس دیدگاه برخی از زبان شناسان، ساخت‌هایی که در آن ها فعل به صورت سوم شخص جمع آمده و فاعل نیز ذکر نشده است، مجهول هستند. مثل جمله «علی را کشتند» (زرکوب،۱۳۹۱: ۹۹).

بر این اساس محتمل است برخی از مترجمین این گروه، در ترجمه این آیه همین کاربرد را مد نظر داشته‌اند. امّا باید توجّه داشت قرار گرفتن اسم موصول «الذین» در ابتدای آیه، سبب می‌شود که فاعل فعل جمع همین کلمه دانسته شود و در نتیجه این قبیل ترجمه-ها رساننده مفهوم فعل مجهول نباشد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

۵-۱-۴- ترجمه بر اساس معنای اجابت کردن دعوت خداوند توسّط مردم مسلمان

برخی از ترجمه‌های آیه بر اساس این تفسیر است که مصداق «الذین» کفار یا اهل کتاب هستند و مراد از عبارت ﴿**مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجیبَ لَهُ**﴾ اجابت کردن دعوت خداوند توسّط مردم مسلمان است.دیدیم که این دیدگاه، دیدگاه رایج بین مفسّرین است.

به نمونه‌هایی از این نوع ترجمه دقّت کنید:

«کسانی که درباره خدا پس از آنکه دعوتش [از سوی مردم منصف با تکیه بر عقل و فطرت] اجابت شده مجادله و ستیزه می‌کنند، دلیلشان [بر ضد حقایق] نزد پروردگارشان باطل است و از سوی خدا خشمی بر آنان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود» (انصاریان).

«کسانی که درباره (دین) خدا به مخاصمه و مجادله می‌پردازند و (علیه آن) دلیل و برهان (بی‌اساس و پوسیده) ذکر می‌کنند، آن هم زمانی که (به سبب وضوح و روشنی، از سوی مردم) پذیرفته شده‌است، خصومت آنان بیهوده و دلایل و براهین ایشان در پیشگاه پروردگارشان باطل و ناپذیرفتنی است، و خشم شدید (خدا در قیامت) گریبانگیرشان می‌گردد و عذاب سختی خواهند داشت» (خرم دل).

«و آنان که در دین خدا (از حسد و عناد با رسولش) جدل و احتجاج برانگیزند پس از آنکه خلق دعوت او را پذیرفتند حجت آن‌ها نزد خدا لغو و باطل است و بر آن‌ها قهر و غضب و عذاب سخت خواهد بود» (الهی قمشه‌ای).

ترجمه‌های نوبری، خسروی، یاسری، نسفی، حجتی، عاملی، طاهری ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه تفسیر مخزن العرفان بر اساس همین معنا و مشابه ترجمه الهی قمشه ای هستند که ترجمه اجابت خلق را بدون استفاده از کمانک در مورد آیه ذکر کرده اند.

باید دقت داشت در تفسیر مخزن العرفان بین دیدگاه مفسّر و ترجمه وی هماهنگی نیست. همچنین مترجم تفسیر المیزان آقای محمد باقر موسوی، ترجمه‌ای متفاوت با دیدگاه علامه طباطبایی ارائه داده‌اند.

در بین ترجمه‌های انگلیسی، ترجمه طاهره صفار زاده، بیانگر همین مفهوم است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

And those who dispute about Allah with The believers who have accepted To follow the Divine Path, their Argument is utterly absurd in the Sight Of their Creator; Allah's Wrath will be On them and for them will be a Severe Chastisement.

در این ترجمه همچون بسیاری از ترجمه‌های فارسی، فاعل استجابت مؤمنین هستند «The believers» و ضمیر «ه» به خداوند «the Divine» بر می‌گردد.

بر اساس برخی از ترجمه‌ها مرجع ضمیر «له» دین خدا دانسته شده‌است. به عنوان مثال به ترجمه ذیل دقّت کنید.« و آنان که ستیزه می‌کنند (درباره دین) خدا از پس آن‌که مردم استجابت کردند آن‌را حجت ایشان باطل است نزد پروردگارشان و برایشان خشمی است و ایشان را عذابی سخت است» (ترجمه سراج؛ ر.ک: سید کریمی، ۱۳۸۲، ج۱ :٤٨١).

ماحصل معنا بر اساس این ترجمه با ترجمه‌هایی که مرجع ضمیر خود خداوند دانسته شود، یکی است. امّا با توجّه به ذکر «الله» در آیه، ترجمه‌هایی که مرجع ضمیر را خود خداوند دانسته‌اند، موجّه ترند.

نظر به این که در بین دیدگاه‌های مختلف تفسیری، «اجابت دعوت خداوند توسط مردم مسلمان» تفسیر قابل پذیرشی است، لذا ترجمه‌های فوق که مبتنی بر این نوع تفسیرند، قابل پذیرشند. با توجّه به اهمیّت رعایت امانت در ترجمه به ویژه در مورد متن قرآن، شایسته است فعل این عبارت به صورت مجهول ترجمه شود و عبارات توضیحی مترجم متمایز از متن ذکر شود. لذا در بین ترجمه‌های فوق، ترجمه‌های انصاریان و خرم دل که فعل را به صورت مجهول ترجمه نموده و عبارات توضیحی خود را داخل کمانک ذکر کرده‌اند، ترجیح دارند.

۵-۱-۵- اجابت دعوت خدا توسط فطرت و علمای منصف اهل کتاب

به ترجمه ذیل دقت کنید:

«و کسانی که درباره (توحید و ربوبیت) خدا محاجّه و ستیزه می‌کنند پس از آن‌که دعوت او (از جانب فطرت و عقل سلیم و علمای منصف اهل کتاب) پذیرفته شده، دلیل

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

آن‌ها در نزد پروردگارشان باطل است، و بـر آن‌هـا غضـبی (از خـدا) و بـرای آن‌هـا عـذابی سخت خواهد بود» (ترجمه مشکینی).

ترجمه فوق ترکیبی است از دو احتمال تفسیری در مورد فاعل استجابت:

۱- فطرت منکرین

۲- علمای منصف اهل کتاب

مورد اخیر در احتمالات تفسیری ذیل آیه ذکر نشده است. این تفسـیر، اشـاره بـه آیـات ۱۰۹- ۱۰۷ سوره اسراء دارد که بر اساس آن‌ها گروهی از علمای اهل کتاب با شـنیدن آیـات قرآن، گریه کنان به سجده می‌افتادند. با توجّه به مجهول بـودن فعـل اسـتجابت مـی تـوان از باب تعمیم مصداق، این مورد را نیز فاعل استجابت دانست. بر اساس این معنا مجادلـه اهـل کتاب در مورد خدا یا دین او بعد از این که علمای منصف خودشان آن را پذیرفته اند، باطـل است؛ چرا که حجّت بر آنان تمام شده است. با توجّه به این که در ترجمـه فـوق امانـت در ترجمه فعل مجهول رعایت شده‌است، و عبارت توضیحی در داخل کمانک ذکر شـده‌اسـت، ترجمه مناسبی است.

۵-۲- ترجمه‌های انتقال‌دهنده ابهام موجود در آیه

غیر از ترجمه‌هایی که بر مبنـای یکـی از احتمـالات تفسـیری نگاشـته شـده‌انـد، برخـی از ترجمه‌های فارسی و عموم ترجمه‌های انگلیسی این آیه، ابهام موجود در آیـه را بـه ترجمـه منتقل کرده‌اند. در این ترجمه‌ها تلاشی برای مشـخص نمـودن فاعـل محـذوف «اسـتجیب» صورت نگرفته و این عبـارت مجهـول بـه همـان صـورت مجهـول و بـدون هـیچ عبـارت توضیحی به زبان فارسی برگردانده شده‌است. البته مرجـع ضـمیر «ه» خداونـد دانسـته شـده است.

به ترجمه‌های ذیل دقّت کنید:

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

«کسانی که درباره خدا محاجه می‌کنند پس از آنکه خدا مورد اجابت واقع شده، حجت آن‌ها پیش خدا باطل است، آن‌ها راست غضب خدا و عذاب شدید» (ترجمه احسن الحدیث).

«و حجّت آنان که درباره خداوند پس از پذیرفته شدن دعوت وی چالش می‌ورزند نزد پروردگارشان تباه است و بر آنان خشمی (از سوی خداوند) و برای آنان عذابی سخت خواهد بود» (ترجمه گرمارودی).

همچنین ترجمه‌های مصباح زاده، فارسی، دهلوی، صادقی تهرانی (ترجمان قرآن)، صفی‌علی شاه، بهرام پور، ترجمه تفسیر بیان السعاده، ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ترجمه تفسیر روان جاوید (ثقفی، ۱۳۹۸، ج٤: ٥٧٥) بر همین مبنا نگاشته شده‌اند.

اکثر ترجمه‌های انگلیسی نیز، ابهام موجود در آیه را منتقل کرده‌اند.

Those who argue concerning Allah, after His call has been answered, their argument stands refuted with their Lord, and upon them shall be[His and there is a severe punishment for them.(16) ترجمه قرایی

after His call has been answered ترجمه عبارت « من بعد ما استجیب له» است.

همچنین به عبارات ذیل که ترجمه عبارت ﴿**مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجِیبَ لَهُ**﴾ است، دقّت کنید.

after that obedience has been rendered to Him (ترجمه شاکر)

after He has been accepted (ترجمه یوسف علی)

after that answer has been made to Him (ترجمه آربری)

after He hath been acknowledge (ترجمه پیکتال)

after pledging obedience to Him (ترجمه سرور)

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

برای قضاوت در مورد ترجمه‌های منتقل کننده ابهام، بـه دیـدگاه یکـی از زبـان شناسـان معروف به نام پیتر نیومارک (زبان شناس انگلیسـی ،۲۰۱۱) اشاره می‌شود. وی ابهام موجـود در متن مبدا را به دو دسته ابهام عمدی و سهوی تقسیم می‌کند و معتقد است ابهام عمدی حتـی الامکان باید منتقل شود و ابهام غیر عمـدی برطـرف شـود (نیومـارک، ۱۳۷۲ :۲۶۹). در مـورد دیدگاه او گفته شده است: «گر چه نیومارک صحّت ترجمـه را در عـدم ترجمـه ابهـام هـای عمدی می‌داند، امّا این مسئله زمانی قابـل اجراسـت کـه بـر زیبـایی ترجمـه افـزوده شـود» (رحیمی آذین، ۱۳۹۹ :۹۶). از ابهام های عمدی و غیرعمدی به عنوان ابهام خودآگـاه و نـاخود آگاه نیز یاد شده است (جواهری، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

بر اساس این دیدگاه، ابهام‌های عامدانه‌ای که اغراض بلاغی دارند، لازم اسـت بـه همـان شکل مبهم به زبان مقصد منتقل شوند. همان طور که گذشت، قرائن نشان می‌دهد فعـل ایـن آیه به هدف تعمیم به صورت مجهول ذکر شده‌است. بر این اساس ترجمه فعل بـه صـورت مجهول راهی برای انتقال این غرض است و لذا ترجمه‌های فوق، ترجمه‌های مناسـبی بـرای این آیه هستند.

نظر به مطالب پیش گفته قرائنی قرآنی و روایی برای شناخت مصادیق فاعـل «اسـتجیب» وجود دارد. لذا مشخص نمودن مصادیق بـا افـزودن عبـارت توضـیحی در داخـل کمانـک، مناسب‌تر است. با این روش، از سویی امانت در انتقال غرض فعـل مجهـول- یعنـی تعمـیم فاعل- حفظ می‌شود و از سویی مصادیقی از فاعل با توجّه به قـرائن تفسـیری روشـن مـی-شود. البته ذکر این مصادیق به معنای نفی مصادیق احتمالی دیگر نیست.

۵-۳- ترجمه‌های ناصحیح

در ترجمه‌ای از این آیه شریفه آمده است: «آنان که در دین و پیغام خدا محاجّـه مـی‌کننـد و حجّت می‌جویند پس از آنکه پاسخ شنیدند، دلیل ایشان نزد خداوند ناچیز است و نابرجـای، و خشم خداوند برایشان است و آنـان را عـذابی اسـت سـخت» (آموزگـار،۱۳۵۲، ج۲ :۳۸۰). «پس از آنکه پاسخ شنیدند» ترجمه‌ای ناصحیح از عبارت ﴿**مِنْ بَعْدِ ما اسْـتُجِيبَ لَـهُ**﴾ اسـت.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

ضمیر «ه» به اشتباه به صورت ضمیر «هم» ترجمه شده است. فاعل استجابت خداوند در نظر گرفته شده و مفعول آن محاجّه کنندگان.

در ترجمه دیگر آمده است: «و آنان که ستیزه کنند در باره خدا پس از آنچه پذیرفته شد برای ایشان دستاویزشان تباه است نزد پروردگارشان و بر ایشان است خشمی و ایشان را هست عذابی سخت» (ترجمه معزی). ترجمه فوق نیز همان اشکال را دارد. ترجمه انگلیسی ذیل از عبارت ﴿**مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجِیبَ لَهُ**﴾ نیز دقیقاً اشکال دو ترجمه بالا را دارد.

بعد از این که او به آنان پاسخ داده است. After He has responded to them

(انگلیسی- ایروینگ)

۵-۴- ترجمه پیشنهادی

با توجّه به مطالب گذشته، ترجمه پیشنهادی مولف به شرح ذیل است: «و کسانی (مشرکین و اهل کتابی) که در مورد خداوند (و دین او) مجادله می‌کنند بعد از آن که دعوت خداوند (از جانب فطرت، علمای منصف اهل کتاب، مسلمین و ...) مورد اجابت قرار گرفته است، حجّتشان نزد پروردگارشان باطل است و خشم و عذاب شدیدی بر آنان است.»

۶- نتیجه گیری

۱- سه احتمال در مورد مصداق الّذین در عبارت ﴿الَّذینَ یُحَاجُّونَ فِي اللهِ﴾ مطرح شده است که عبارتند از: اهل کتاب، مشرکین و مسلمین. در مورد فاعل «استجابت» مصادیق متعدّدی ذکر شده که عبارتند از: خداوند، فطرت، اهل کتاب و مؤمنین جامعه. در مورد مرجع ضمیر «ه» نیز، خداوند، پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و دین اسلام اقوال گوناگونی هستند که ذکر شده است.

۲ - با استفاده از سیاق آیات و در نظر گرفتن سایر آیات قرآن کریم، می‌توان دانست که مصداق «الذین» مسلمین یا اهل کتاب یا هر دوی این گروه‌ها هستند و با نظر به سیاق

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

درونی آیه می‌توان دانست که مرجع ضمیر «ه» خداوند است. با توجه به تعمیم قابل برداشت از فعل مجهول و با در نظر گرفتن سایر آیات و روایات مربوطه، می توان مصادیق متعددی برای فاعل استجابت در نظر گرفت که عبارتند از: مسلمین، علمای منصف اهل کتاب و فطرت همه اعمّ از مسلمین و منکرین. در بین تفاسیر، تفسیر المیزان مناسب‌ترین منبع موجود در انتقال این مفاهیم است.

۳- فاعل استجابت مجهول ذکر شده‌است تا راه تطبیق آن بر مصادیق مختلف وجود داشته باشد. ترجمه‌هایی که در عین ادای امانت در ترجمه فعل مجهول، مصادیق قابل قبول در مورد فاعل این فعل را در قالب عبارات توضیحی به مطلب افزوده اند، بهترین ترجمه-های موجودند که عبارتند از ترجمه‌های انصاریان، خرم دل و مشکینی. در درجه بعد ترجمه‌های منتقل کننده ابهام در مورد فاعل فعل مجهول هستند مثل اکثر ترجمه‌های انگلیسی و بسیاری از ترجمه‌های فارسی.

۷- منابع

*قرآن کریم

۱- آربری، آرتور جان؛ *ATHE QURAN* قم، مرکز بررسی های اسلامی، (بی‌تا).

۲- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني*، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۴۱۵ق).

۳- آموزگار، حبیب‌الله، *خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید به فارسی از کشف الاسرار میبدی*، تهران، اقبال، (۱۳۵۲ش).

٤- آیتی، عبدالمحمد، *ترجمه قرآن (آیتی)*، تهران: انتشارات سروش، (١٣٧٤ش).

٥- ابن عاشور، محمدطاهر، *تفسير التحرير و التنوير*، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي، (١٤٢٠ق).

٦- ابوحیان، محمدبن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، به تحقیق جمیل، صدقی محمد، بیروت، دارالفکر، (١٤٢٠ق) .

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

٧- احمد نژاد، امیر؛ کلباسی، زهرا، «بررسی تفسیری سیر تعامل پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله با اهل کتاب در مکه»، *مطالعات تفسیری*، شماره ٢٩، صص ٣٨- ١٩، (١٣٩٦ش).

٨- امانی، رضا؛ فرهادی، ام البنین؛ زربخش، لیلا، «تحلیل تصویرآفرینی ساختارهای صرفی افعال در ترجمه‌های قرآن کریم» *پژوهش‌های قرآنی*، سال بیستم، شماره ١، صص ٧٥- ٥٠؛ (١٣٩٤ش).

٩- امین، نصرت بیگم، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، (بی‌جا)، (بی‌تا).

١٠- ایروینگ، تامس بالنتین، *ترجمه انگلیسی قرآن کریم*، *(بی‌مک)* شرکت چاپ و نشر بین الملل، (١٣٩٠ش).

١١- بروجردی، محمدابراهیم، *ترجمه قرآن (بروجردی)*، تهران: کتابخانه صدر، (١٣٦٦ش).

١٢- بغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل* به تحقیق عبد الرزاق مهدی؛ لبنان: دار إحیاء التراث العربي، (١۴٢٠ق).

١٣- بلاغی، عبدالحجة، *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، قم، چاپخانه حکمت، (١٣٨۶ق).

١٤- پیکتال، محمد مارمادوک ، *A HOLY QURANT*T (بی‌نا) (١٩٧٥م).

١٥- ثقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، تهران، برهان، (١٣٩٨ق) .

١٦- جرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)* به تصحیح جلال الدین محدث، تهران، دانشگاه تهران، (١٣٧٨ق) .

١٧- جوادی آملی، عبدالله، ٩٤/٠٣/١٢ سایت مدرسه فقاهت، https://www.eshia.ir/feqh/Archive/qom/tafsir

١٨- جواهری، محمد حسن، «ابهام شناسی در ترجمه قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ٥٣، صص ٢٠١- ١٨٦، (١٣٨٧ش).

١٩- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبي به تحقیق ابی محمد ابن عاشور*، بیروت، دار إحیاء التراث العربي، (١۴٢٢ق).

٢٠- دینوری، عبدالله بن محمد، *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیة، (١۴٢۴ق).

٢١- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیة، (١۴١٢ق).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

۲۲- رحیمی آذین، مرضیه؛ قائمی، مرتضی؛ مسبوق، سید مهدی، «راهبردهای صفارزاده و مجتبوی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم و میزان بسندگی و پذیرفتگی آن‌ها بر اساس الگوی گارسس»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، شماره ۱۳، ۱۲۸- ۸۷ (۱۳۹۹ش).

۲۳- زحیلی، وهبة؛ *التفسیر المنیر في العقیدة و الشریعة و المنهج*، دمشق، دار الفکر، (۱۴۱۱ق).

۲٤- زرکشي، بدرالدین، *البرهان في علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۲۰۰٦م).

۲۵- زرکوب، منصوره؛ رضایی، سارا؛ «بررسی تطبیقی فعل مجهول در زبان‌های فارسی و عربی از منظر دستوری و معنایی» *فنون ادبی*، شماره ۲، ص ۱۱۲- ۹۳، (۱۳۹۱ش).

۲٦- سبزواری، محمد، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، (۱۴۱۹ق).

۲۷- سراج، رضا، *ترجمه قرآن(سراج)*، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، (۱۳۹۰ق).

۲۸- سرور، محمد؛ *ترجمه انگلیسی قرآن*، الم هورست، (۱۹۸۱م).

۲۹- سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، لبنان: دار الفکر ، (۱٤۱٦ق).

۳۰- سیدکریمی حسینی، عباس، *تفسیر علیین*، قم: اسوه، (۱۳۸۲ش).

۳۱- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *الدر المنثور فی التفسیر بالماثور*، قم، (۱٤۰٤ق).

۳۲- شاکر، محمد حمید، *ترجمه انگلیسی قرآن*، نیویورک، (۱۹۸۲م).

۳۳- شاکر، محمد کاظم، *مبانی و روش های تفسیری*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، (۱۳۸۲ش).

۳٤- صفارزاده، طاهره، *ترجمه انگلیسی قرآن*، تهران: پارس کتاب، (۱۳۸٤ش).

۳۵- صفوی، محمدرضا، *ترجمه قرآن بر اساس المیزان*، قم: دفتر نشر معارف، (۱۳۸۸ش).

۳٦- صفی علی شاه، محمد حسن بن محمد باقر، *تفسیر قرآن صفی علی شاه*، تهران: منوچهری، (۱۳۷۸ش).

۳۷- طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*، اردن – اربد: دار الکتاب الثقافي، (۲۰۰۸م).

۳۸- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، به تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی، ناصرخسرو، (۱۳۷۲ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

۳۹- طبری، محمدبن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، *بیروت:* دار المعرفة، (۱۴۱۲ق).

٤٠- عک، خالد عبدالرحمن. *اصول التفسیر و قواعده*. بیروت: دارالنفائس، (١٤٠٦ق).

۴۱- عسکری، حسن بن عبدالله، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دار الآفاق الجدیدة، (۱۴۰۰ق).

٤٢- فولادوند، محمدمهدی؛ ***ترجمه قرآن***، تهران؛ (بی‌نا)، (١٤١٨ق).

٤٣- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم: موسسه دار الهجرة، (۱۴۱۴ق).

٤٤- قرایی، سید علیقلی، *ترجمه قرآن*، قم: بی‌نا، (۲۰۰۵م).

٤٥- قرشی بنابی، علی‌اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، (۱۳۷۵ش).

٤٦- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحکام القرآن*، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۶۴ش).

٤٧- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، لبنان: دار الشروق، (١٤٢٥ق).

٤٨- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب به تحقیق حسین درگاهی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (١٣٦٨ش).

۴۹- کاشانی ، فتح الله، *زبدة التفاسیر*، قم: بنیاد معارف اسلامی، (۱۴۲۳ق).

۵۰- کاشانی، فتح‌الله، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه، (١٣١٤ش).

۵۱- کاویان‌پور، احمد، *ترجمه قرآن (کاویانپور)*، تهران، اقبال، (۱۳۷۲ش).

۵۲- ماتریدی، محمد بن محمد: *تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)*، بیروت، دار الکتب العلمیة، (۱۴۲۶ق).

۵۳- ماوردی، علی بن محمد، *النکت و العیون تفسیر الماوردی* به تعلیق عبدالرحیم سید بن عبدالمقصود، بیروت، دار الکتب العلمیة، (بی‌تا).

٥٤- مجتبوی، جلال الدین، *ترجمه قرآن مجتبوی*، تهران: حکمت، (۱۳۷۱ش).

٥٥- محمّد.عبدالفتّاح *«الفعل المبنی للمجهول فی اللغة العربیة (اهمیته- مصطلحاته- اغراضه)»*، مجلة جامعة دمشق، ج ۲۲، شماره ۲-۱، (۲۰۰۶م).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]

٥٦- مدنی، علیخان بن احمد، *الطراز الاول و الکناز لما علیه من لغة العرب المعـول*، مشـهد: موسسـة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، (۱۱۲۰ق).

٥٧- معزی، محمدکاظم، *ترجمه قرآن (معزی)*، قم، اسوه ، (۱۳۷۲ش).

٥٨- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة ، (۱۳۷۱ش).

٥٩- موسوی گرمارودی، علی، *ترجمه قرآن (گرمارودی)*، تهران: قدیانی، (۱۳۸٤ش).

٦۰- نحاس، احمد بن محمد، *اعراب القرآن(نحاس)*، بیروت، دار الکتب العلمیة، (۱۴۲۱ق).

٦۱- نکونام، جعفر، *در آمدی بر تاریخ گذاری قرآن*، تهران: نشر هستی نما، (۱۳۸۰ش).

٦۲- نیومارک، پیتر، *دوره آموزش فنون ترجمه ویژه مقاطع کارشناسـی و کارشناسـی ارشـد*، تهـران: رهنما، (۱۳۷۲ش).

٦۳- یوسف علی، عبدالله؛ *ترجمه معانی القرآن الکریم بالنجلیزیة*، مدینه: دارالقرآن رسـمی عربسـتان، (۱۹۹۱م).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1400.8.15.8.0]